

En



زیارت

جامعه کبیره

بخط ابوالحسن

نگارش آسان

زیارت جامعہ کبیرہ

الزيارة الجامعة الكبيرة
Ziyarat Jamia Kabeera

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the Name of Allah, the All-compassionate, the All-merciful.



السلام عليكم يا أهل بيت النبوة

سلام بر شما ای خاندان نبوت *

Peace be upon you, O Household of Prophethood,

و مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ

و موضع ودایع رسالت *

location of the Divine mission,



وَمُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ

و محل نزول ملائک *

frequently visited by the angels,

وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ

و هبوط انوار وحی خدا * و معدن رحمت حق *

destination of the Divine revelation, core of mercy,



و خُزَّانِ الْعِلْمِ

و گنجهای علم و معرفت الهی *
treasurers of knowledge,

و مُنْتَهَى الْحِلْمِ

و صاحبان منتهای مقام حلم *
ultimate degree of forbearance,



وَأُصُولَ الْكَرَمِ * وَقَادَةَ الْأُمَمِ

و اصول صفات کریمه * و پیشوای امم و ممالک
origins of generosity, leaders of all nations,

وَأَوْلِيَاءَ النَّعَمِ

و ولی نعمت های روحانی *
sustainers of bounties,



وَعَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ



و ارکان بزرگواری و نیکوکاری
foundations of the dutiful,

وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ



و عماد نیکویان عالم
pillars of the upright,



وَسَائِلَةُ الْعِبَادِ

و بزرگ و قائد بندگان *
maintainers of the servants (of Allah),

وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ

و ستونهای محکم شهرهای علم *
props of the lands,



وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ

و درهای ایمان *
doors to true faith,

وَأُمَنَاءُ الرَّحْمَنِ

و امین اسرار خدای رحمان *
trustees of the All-beneficent (Allah),



وَسُلَالَةُ النَّبِيِّينَ



و فرزدان پیغمبران
descendants of the Prophets,

وَصَفْوَةُ الْمُرْسَلِينَ



و برگزیده از رسولان
choice of the Messengers,





وَعِثْرَةُ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و عترت رسول خاتم (ص) که برگزیده خدای جهان است *
and offspring of the select of the Lord of the worlds.

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

و بر شما باد رحمت و برکات خدا *
Allah's mercy and blessings, too, be upon you (all).



السلام عَلَى أئِمَّةِ الْهُدَى

سلام بر شما امامان و راهنمایان طریق هدایت *

Peace be upon the directors of right guidance,

وَمَصَابِيحِ الدُّجَى

و چراغهای تاریکیهای امت *

the lanterns in darkness,



وَأَعْلَامِ التَّقَى * وَذَوِي النُّهَى *

و پرچمداران علم و تقوی * و خردمندان بزرگ
the patterns of piety, the owners of understanding,

وَأُولَى الْحِجْبَى * وَكَهْفِ الْوُورَى *

و صاحبان عقل کامل * و پناه خلق عالم
the endowed with thought, the havens for the peoples,





وَوَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ * وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى

و وارثان پیغمبران حق * و مثل اعلاى الهی
the inheritors of the Prophets, the perfect specimen,

وَالدَّعْوَةُ الْحُسْنَى *

و صاحب دعوت به بهترین کمال و نیکوترین اعمال
the most excellent call,



وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا

و حجتهاى بالغه الهى

and the arguments of Allah against the inhabitants of the world,

وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى

بر تمام اهل دنيا و آخرت *

the Hereafter, and the former world.



وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ❁

و رحمت و برکات خدا بر شما باد *

Allah's mercy and blessings, too, be upon you (all).

السَّلَامُ عَلَىٰ مَحَالِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ ❁

سلام بر شما که دل‌هایتان محل معرفت خداست *

Peace be upon the exponents of the recognition of Allah,



وَمَسَاكِينِ بِرَكَّةِ اللَّهِ



و مسکن برکت حق *

the centers of Allah's blessing,

وَمَعَادِرِ حِكْمَةِ اللَّهِ



و معدن حکمت الہی *

the essence of Allah's wisdom,



وَحَفَظَةَ سِرِّ اللَّهِ

و حافظان سرّ خداييد *
the keepers of Allah's secrets,

وَحَمَلَةَ كِتَابِ اللَّهِ

و حامل علم کتاب خدا *
the bearers of Allah's Book,



وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ ﷺ

و اوصياء پیغمبر خدا *
the successors of Allah's Prophet,

وَذُرِّيَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

و اولاد رسول خدا
and the progeny of Allah's Messenger,



صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَالِهِ ❁

❁ که درود

may Allah send blessings upon him and his Household.

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ ❁

❁ و رحمت و برکات الهی بر او و بر آل او باد

Allah's mercy and blessings, too, be upon them.



الْسَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ

سلام بر شما که داعیان به سوی خدا هستید *

Peace be upon the callers to Allah,

وَالْأَدِلَاءِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ

و راهنمایان طریق رضا و خشنودی حضرت احدیت *

the leaders to Allah's pleasure,



وَالْمُسْتَقِرِّينَ (وَالْمُسْتَوْفِرِينَ)

و ثابت قدمان در اجرای
the abiders

فِي أَمْرِ اللَّهِ

فرمان خدا *
by Allah's decree,



وَالْتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ

و تامّ و کامل در عشق و محبت خدا *
the perfect in love for Allah,

وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ

و صاحبان مقام اخلاص در توحید حضرت حق *
the sincere in professing Allah's Oneness,



وَالْمُظْهِرِينَ لَأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ

و آشکار کنندگان امر و نهی ایزد متعال *
the manifesters of Allah's orders and prohibitions,

وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ

و شمايید بندگان گرامی
and Allah's honored bondmen



الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ

و مقرب الہی کہ ہرگز بر حکم او سبقت نگرفته
 who speak not until He has spoken

وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ

و کاملاً مطابق فرمانش عمل می کنند *
 and act by His command.



وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ❁

سلام و رحمت خدا و برکات الهی بر شما باد
Allah's mercy and blessings, too, be upon them.

❁ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ

سلام بر پیشوایان خلق که داعیان به سوی حق
Peace be upon the Imams, the heralds,



وَالْقَادَةَ الْهُدَاةِ * وَالسَّادَةَ الْوُلَاةِ

و رهبر و رهنمای بزرگ * و والیان
the leaders, the guides, the chiefs, the authorities,

وَالذَّادَةَ الْحُمَاةِ

و حامیان دین خداييد *
the defenders, the protectors,



وَأَهْلَ الذِّكْرِ

و اهل ذکر *

the people of the Reminder (i.e. the Qur'an),

وَأُولِيَ الْأَمْرِ

و فرمانداران از جانب خدا *

the men in authority,



وَبَقِيَّةِ اللَّهِ * وَخَيْرَتِهِ وَحِزْبِهِ *

و آیات باقی * و برگزیدگان خاص ربوبی و سپاه *
the left ones by Allah, His select, His party,

وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ *

و نیروی الهی و مخزن علم ربانی *
the case of His knowledge



وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ *

و حجت‌های بالغه و طریق روشن حضرت حق *

His argument, His path,

و نُورِهِ وَبُرْهَانِهِ *

و نور خدا و برهان او *

His light, and His proof.



وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ❁

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد *

Allah's mercy and blessings, too, be upon them.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ❁

گواهی می‌دهم که جز خدای یکتا، خدایی نیست *

I bear witness that there is no god save Allah;



وَحْدَهُ ۖ لَا شَرِيكَ لَهُ ۚ

و او از شرک و شریک منزّه است *

One and Only and having no partner with Him

كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ

چنانکه خدا به یکتایی خود شهادت داده *

just as Allah has testified to His Oneness



وَشَهِدَتْ لَهُ وَمَلَائِكَتُهُ ﴿٣٣﴾

و فرشتگان *
to which His angels

وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ ﴿٣٤﴾

و دانشمندان عالم شهادت دادند *
and his knowledgeable creatures testify.



لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

که جز آن خدای

There is no god save Him;

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

یکتای مقتدر حکیم، خدایی نیست *

the Almighty, the All-wise.



وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجِبُ

و نیز شهادت می‌دهم که محمد (ص) بنده خاص برگزیده
I also bear witness that Muhammad is His elect servant

وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى

* و رسول پسندیده اوست *
and His approved Messenger.



أَرْسَلَهُ^و بِالْهُدَى^و وَدِينِ الْحَقِّ^و 

که برای هدایت خلق و به دین و آیین ثابت حق فرستاد *

He sent him with right guidance and with the Religion of truth

لِيُظْهِرَهُ^و عَلَى الدِّينِ^و كُلِّهِ^و

تا آنکه دین پاکش را مسلط و غالب بر تمام ادیان گرداند

that He may cause it to prevail over all religions



وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

هر چند مشرکان ناپاک را آیین توحید ناگوار باشد *
however much the idol-worshippers may be averse.

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ

و شهادت میدهم که محققاً شما پیشوایان و امامان راهنما *
I also bear witness that you all are the Imams, rightly guiding,



الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ

و راه‌دان و دارای عصمت و نزد خدا گرامی
well-guided, infallible, highly revered,

الْمُقَرَّبُونَ * الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ

و مقرب هستید * و اهل تقوی و صدق
drawn near (to Allah), pious, veracious,



الْمُصْطَفَوْنَ * الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ

و حقیقت * و برگزیدگان و مطیعان خدا
well-chosen, obedient to Allah,

الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ

و نگهبانان فرمان او
establishing His rule,



اَلْعَامِلُونَ بِاِرَادَتِهِ



و کارکنان به اراده او
putting into practice His will,

اَلْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ



فیروزمند به کرامت و لطف او هستید
and winning His honoring.



إِصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ

خدا شما را به علم ازلی *

He chose you on account of His (eternal) knowledge,

وَارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ

برای کشف عالم غیب خود برگزید *

approved of you to maintain His unseen knowledge,



وَإِخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ

و بر حفظ اسرار غیبی خویش انتخاب کرد
selected you to keep His secret,

وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ

و به توانائی و قدرت کامله، مخصوص گردانید
decided on you by means of His omnipotence,



وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ ﴿٤٣﴾

و به هدایت خود، عزت بخشید
equipped you with His guidance,

وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ ﴿٤٤﴾

و به برهان
distinguished you with His clear proofs,



وَأَنْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ (بِنُورِهِ) ❁

و اشراق نور خود تخصیص داد *
chose you to hold His Light,

وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ ❁

و به روح کلی الهی مؤید فرمود *
supported you with His Holy spirit,



وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ

و شما را به خلافت الهیه در زمین پسندیده
and accepted you as vicegerents in His lands,

و حُجِّجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ

و حجت
arguments against His beings,



وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ * وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ *

و یاوران دین حق * و حافظان سرّ *
supporters of His religion, keepers of His secret,

و خَزَنَةَ لِعِلْمِهِ *

و گنج علم لدنی *
hoarders of His knowledge,



وَمُسْتَوْدَعًا لِّحِكْمَتِهِ ﴿٤٧﴾

و محل ودایع حکمت *
stores of His wisdom,

وَتَرَا جِمَّةً لِّوَحْيِهِ ﴿٤٨﴾

و مفسران وحی *
interpreters of His revelation,



وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ

و ارکان علم توحید خود مقرر فرمود
pillars of the profession of His Oneness,

و شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ

و گواه خلق
witnesses on His creatures,



وَأَعْلَامًا لِّعِبَادِهِ * وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ *

و نماینده خود برای بندگان * و علامت روشن در بلاد عالم *
signs for His servants, torches in His lands,

وَادِلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ *

و راهنمایان صراط مستقیم خود گردانید *
and directors to His path.



عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ ❁

و شما خانواده را معصوم از لغزش
Allah has preserved you against slips,

وَأَمَّنَكُم مِّنَ الْفِتَنِ ❁

و ایمن از فتنه
secured you against seditious matters,



وَطَهَّرَكُم مِّنَ الدَّنَسِ

و پاک و منزّه از هر خلق ناشایسته گردانید
purified you from dirt,

وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ

و از شما به کلی رجز و ناپاکی را زایل فرمود
removed away from you uncleanness,



وَطَهَّرَكُم تَطْهِيرًا ﴿٥٢﴾

و پاک و پاکیزه گردانید *
and purified you with a thorough purifying.

فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ ﴿٥٣﴾

تا آنکه شما جلال خدا را به عظمت یاد کردید *
So, you have glorified His majesty,



وَ أَكْبَرْتُمْ شَانَهُ ۖ وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ ۖ

و شأن او را به کبریایی * و لطف و کرمش را به مجد و بزرگی ستودید
declared great His magnificence, glorified His nobility,

وَ اَدَمْتُمْ (اَدَمْنْتُمْ) ذِكْرَهُ ۖ

و ذکر خدا را بر دوام *
perpetuated mentioning Him,



وَوَكَّدْتُمْ (ذَكَّرْتُمْ) مِيثَاقَهُ ﴿٥٤﴾

و عهد و میثاقش را برقرار داشتید *
consolidated His covenant,

وَ أَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ ﴿٥٥﴾

و پیمان طاعتش را محکم نمودید *
made firm your pledge of obedience to Him,



وَنَصَحْتُمْ لَهُ

و پنهان و آشکارا
acted sincerely to Him

فِي السِّرِّ وَالْعُلَانِيَةِ

خلق را نصیحت کردید *
privately and publicly,



وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ

و به راه حق با برهان
called unto His way

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

و حکمت و پند و موعظه نیکو دعوت کردید *
with wisdom and fair admonition,



وَبَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ ﴿٥٧﴾

و در راه رضای او از جان گذشتید *

sacrificed yourselves for the sake of attaining His pleasure,

وَصَبَرْتُمْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ ﴿٥٨﴾

و بر هر مصایبی که از امت به شما رسید برای خدا صبر کردید *

acted patiently towards what has befallen you for His sake,



وَأَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ

نماز را به پا داشتید *
performed the prayers,

وَأَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ

و زکوة را ادا نمودید *
defrayed the poor-rate,



وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ

و امر به معروف
enjoined the right,

وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ

و نهی از منکر فرمودید
forbade the wrong,



وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ﴿٦٠﴾

و حق جهاد را در دین خدا به جا آوردید *
and strived in the way of Allah as exactly as striving should be

حَتَّىٰ أَعْلَنَتمُ دَعْوَتَهُ ﴿٦١﴾

تا آنکه دعوت دین را آشکار ساختہ *
until you made known His call,



وَبَيَّنَّكُمْ فَرَائِضَهُ 

و فرایض و احکامش را مبین
rendered clear His obligations,

وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ 

و حدود را مقرر
executed His provisions,





وَنَشَرْتُمْ (وَفَسَّرْتُمْ) شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ

و شرایع و احکام *

propagated for the enacted laws of Him,

وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ

و سنن آسمانی را استوار گردانیدید *

acted out His rules,





وَصِرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا

تا آنکه در اقامهٔ دین، خدا را از خود خوشنود ساختید *
 attained His pleasure through carrying out all these matters,

وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ

و تسلیم قضا شده *
 surrendered to His will,



وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَىٰ

و هر حکمی از رسولان الهی درگذشت، همه را تصدیق کردید
and confirmed the truth of the past Messengers of Him.

فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ

پس هر کس از طریق شما برگشت، از دین خدا خارج شده
Therefore, whoever forsakes you is apostate,



وَاللَّازِمُ لَكُمْ لِحَقِّ

و هر کس ملازم امر شما بود، ملحق گشت
 whoever adheres to you will attain the destination,

وَالْمُقْصِرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ

و هر کس در حق شما مقصر شد، محو و باطل گردید
 and whoever fails to carry out the duties towards you will perish.

وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ

و حق با شما و در خاندان شما
Verily, the truth is always with you, amid you,

وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ

و مبداءش از شما و مرجعش به سوی شماست *
from you, and to you.



وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ ❁

و اهل حق و معدن حق و حقیقت شماست *

You are the people and the core of it (i.e. the truth).

وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ ❁

و میراث نبوت نزد شما است *

The inheritance of Prophethood is with you.



وَاِيَّاكَ اَخْلَقَ اِلَيْكُمْ

و بازگشت خلق به سوی شما *

The ultimate destination of the creatures is to you.

وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ

و حساب خلائق بر شما است *

Calling them to account is your mission.



وَفَصْلُ الْخُطَابِ عِنْدَكُمْ

و فیصل حق از باطل نزد شما خواهد شد *

Decisive speech is with you.

وَأَيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ


و آیات عظمت الهی نزد شما *

The verses of Allah is in your possession.



وَعَزَائِمُهُ  فِيكُمْ  وَنُورُهُ 

و عزایم اسرار نبوت در خاندان شما * و نور خدا
His unavoidable decrees rely upon you. His light

و بُرْهَانُهُ  عِنْدَكُمْ  وَأَمْرُهُ  إِلَيْكُمْ 

و برهان او نزد شما * و امر خدای تعالی مربوط به امر شما است *
and proof are with you. His authority is to you.



مَنْ وَالِالْأَكْثَرُ فَقَدْ وَالِيَ اللَّهَ

هر که شما را مولای خود شناخت، خدا را مولای خویش دانسته *

Whoever declares loyalty to you has in fact declared loyalty to Allah,

وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ

و هر که شما را دشمن داشت، خدا را دشمن داشته *

whoever shows enmity towards you has in fact shown enmity towards Allah,

وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ

و هر که شما را دوست داشت، خدا را دوست داشته
 whoever loves you has in fact loved Allah,

وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ

و کسی که با شما کینه و خشم ورزید، با خدا خشم و کینه ورزیده
 whoever hates you has in fact hated Allah,



وَمَنْ اَعْتَصَمَ بِكُمْ

و هر که چنگ به دامن شما زد
and whoever holds fast to you

فَقَدْ اَعْتَصَمَ بِاللّٰهِ

به ذیل عنایت خدا چنگ زده است *
has in fact held fast to Allah.



أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ

شما یید راه راست خدا *

You are the most straight path,

(السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ) 



وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ



و گواهان دار دنیا *

the witnesses of this abode of extinction,

و شَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ



و شفیعان عالم قیامت شماپید *

the intercessors in the abode of permanence,



وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ

رحمت سرمد
the connected mercy,

وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ

و آیت و نشان مستور در گنجینه
the stored sign,



وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ

و امانت و ودیعه لوح محفوظ الهی
the safeguarded deposit,

وَالْبَابُ الْمُبْتَلَىٰ بِهِ النَّاسُ

و درگاه امتحان خلق
and the door with which people are put to test.



مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا

هر کس رو به سوی شما آمد، نجات ابد یافت
 Whoever comes to will have been saved

وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ

و آنکه از این درگاه دور شد، به هلاکت رسید
 but whoever refrains from joining you will have perished.



إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ ﴿٧٩﴾

شما خلق را به خدا می خوانید *

To Allah do you invite people,

وَعَلَيْهِ تَدْلُونَ ﴿٨٠﴾

و بر طریق او دلالت می کنید *

towards him do you show the way,



وَبِهِ تُؤْمِنُونَ ﴿٨٠﴾ وَلَهُ تُسَلِّمُونَ ﴿٨١﴾

و به خدا ایمان دارید * و تسلیم او
in Him do you believe, to Him do you submit,

و بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ ﴿٨٢﴾

و مطیع فرمان اویدید *
upon His command do you act,



وَالِی سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ

و به راه خدا، خلق را هدایت کرده
to His path do you direct,

وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ

و به کلام او حکم می کنید
and according to His saying do you judge.



سَعِيدٌ مِّنْ وَالِائِكَمُ

هر که به ولایت شما گروید، به سعادت رسید *

Happy is he who is loyal to you,

وَهَلَكٌ مِّنْ عَادَائِكَمُ

و آنکه با شما دشمنی کند، هلاک شود *

desolate is he who forsakes you,



وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمُ ❁

و هر که منکر شما است، نومید است
disappointed is he who denies you,

وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمُ ❁

و هر که از شما جدا است، گمراه است
straying off is he who separates himself from you,



وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ

و هر که به شما تمسک جست، فیروز گردید
winner is he who adheres to you,

وَأَمِنَ مَنْ جَاءَ إِلَيْكُمْ

و هر که به شما پناه آورد، ایمن گردید
secured is he who resorts to you,



وَسَلِّمَ مَنِ صَدَّقَكُمْ

و هر که مقام شما را تصدیق کرد، سلامت یافت
 saved is he who gives credence to you,

وَهْدِي مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ

و هر که به دامن طاعت شما دست زد، هدایت یافت
 and rightly guided is he who takes shelter in you.



مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَأَجْنَّةُ مَاوَاهُ

و هر که شما را پیروی کرد، در بهشت ابد منزل یافت *

As to whoever follows you, Paradise will be his abode.

وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ

و هر که به راه خلاف شما شتافت، به آتش دوزخ مسکن کرد *

As to whoever dissents you, Hellfire will be his dwelling.



وَمَنْ جَحَدَ كُمْ كَافِرٌ ❁

و هر که منکر شما گردید، کافر است *

He who denies you is unbeliever,

وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ ❁

و هر که با شما به جنگ برخاست، مشرک است *

he who makes war against you is polytheist,



وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ

و هر که رد حکم شما کرد
and he who objects to you

فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ

در پست ترین درکات جهنم است *
will be in the lowest tier of the burning fire.



أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى

گواهی می‌دهم که این مقام برای شما همیشه در سابق

I bear witness that all the previous was pre-decided for you

وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ

* و لاحق زمان بوده و خواهد بود *

and it will continue in the future;



وَأَنْ أَرْوَا حَكْمَكُمْ وَنُورَكُمْ

و نیز گواهی می دهم بر اینکه ارواح عالیّه شما و نورانیت
and that your souls, your light,

وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ ❁

و طینت پاک شما ائمه طاهرین یکی است *
and your form are the same;



طَابَتْ وَ طَهِّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ

و آن ذوات طیب و طاهر، عین یکدیگرند *
blessed and purified, and one of the other.

خَلَقَكُمْ اللهُ أَنْوَارًا

خدا شما را آفرید *
Allah created you as lights;



فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحَدِّقِينَ ﴿٩٢﴾

و محیط به عرش خود گردانید *

He then made you observe from His Throne

حَتَّىٰ مِّنْ عَلَيْنَا بِكُمْ ﴿٩٣﴾

تا این زمان که به نعمت وجود شما بر ما منت گذاشت *

until He endued us with the favor of your existence (among us)



فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ

پس شما را در خاندانهای قرار داد که امر به رفعتش فرمود
and then placed you in houses that He allowed

أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ

و به ذکر نام خدا در آن خاندانها فرمان داد *
to be raised and to have His Name mentioned therein.



وَجَعَلَ صَلَاتِنَا (صَلَوَاتِنَا)

و درود و صلوات ما را بر شما

He also decided our invocation of blessings

عَلَيْكُمْ

حکم گردانید *

upon you



وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ

و آنچه را که مخصوص ما کرد از نعمت ولایت شما
and our loyalty to you

طَيِّبًا لِّخَلْقِنَا (لِخَلْقِنَا) 

برای نیکویی فطرت و خلقت ما *
to be immaculacy of our creation,



وَطَهَارَةٌ لِأَنْفُسِنَا



و پاکی نفوس ما بود
purity of our souls,

و تَزْكِيَّةٌ (بِرَكَّةً) لَنَا



و برای تزکیه و پاکیزگی ما
refinement of our manners,



وَكَفَّارَةٌ لِّذُنُوبِنَا

و کفاره گناهان ما
and forgiveness of our sins.

فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ

پس ما نزد خدا به فضیلت و برتری شما بر خلق از این پیش معترف و تسلیم
We have thus become, with Him, of those believing in your precedence

وَمَعْرُوفِينَ

و به تصدیق مقام شما
and of those known

بِتَصَدِّيقِنَا إِيَّاكُمْ

معروف بودیم *
for their giving credence to you.



فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ

که خدای، شما را

Thus, Allah has raised you

أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ

به اشرف مقام اهل کرامت *

to the most principled place of the honored ones,



وَأَعْلَىٰ مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ



و عالیترین منزلت مقربان *

the highest station of those drawn near to Him,

وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ



و رفیعترین درجات پیغمبران خود نایل گرداند *

and the loftiest ranks of the Messengers



حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ وَلَا حِقْ

همان بلند مقامی که از سابقین و لاحقین کسی بدان نخواهد رسید *
where none can ever reach you,

وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقْ

و فوق آن مرتبه احدی راه نیابد *
nor can anyone ever surpass you,



وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقُ

و ابدأ پیشروی بدان پیش نرود *
nor can anyone ever precede you,

وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ ظَامِعُ

و ابدأ طمع نیل به آن مقام را هم کسی نکند *
no can anyone ever look forward to reaching your positions;



حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُّقْرَبٌ

تا آنجا که هیچ ملک مقرب
therefore, no archangel,

وَلَا نَبِيٌّ مُّرْسَلٌ

و نبی مرسل
commissioned Prophet,



وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ

و هیچ صدیق و شهید *
a veracious one, a martyr,

وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ

و عالم و جاهل *
a knowledgeable one, an ignorant one,



وَلَا دِنِي وَلَا فَاضِلٌ

و پست و بلند *
an inferior, a superior,

وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ

و مؤمن صالح *
a righteous believer,



وَلَا فَاجِرٌ ظَالِحٌ

و فاجر طالح *
a wicked sinner,

وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ

و جبار سرکشی *
an obstinate tyrant,



وَلَا شَيْطَانٌ مَّرِيدٌ ﴿١٠٧﴾

و هیچ دیو گمراه *
a devilish rebel,

وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ ﴿١٠٨﴾

و خلقی بین آنها نیست *
or any other witnessing being among these classes—all of those



إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ

جز آنکه خدا همه آنها را به جلالت قدر
were informed by Allah about the majesty of your issue,

وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ

و عظمت شأن و بزرگواری
the importance of your standing,



وَكِبَرِ شَأْنِكُمْ * وَتَمَامِ نُورِكُمْ *

و مقام رفیع شما شناسا گردانید * و نور تام تمام *

the greatness of your prestige, the thoroughness of your illumination,

وَصِدْقِ مَقَاعِدِكُمْ *

و منزلت‌های نیکو *

the honesty of your position,



وَثَبَاتٌ مَّقَامِكُمْ * وَ شَرَفٌ

و ثابت بودن مقام * و شرافت رتبه
the firmness of your stance,

مَحَلِّكُمْ وَ مَنَزَلَتِكُمْ عِنْدَهُ * وَ

و منزلت نزد خدا *
the honor of your station and position with Him,



وَكِرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ



و کرامت مجد شما نزد حق
your upstanding reputation with Him,

وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ



و اختصاص و تقرب شما به حضرت احدیت و عزت
your special position with Him,



وَقَرَّبَ مَنَزِلَتِكُمْ مِنْهُ * بِأَبِي أَنْتُمْ

و کرامت شما نزد حق، همه را بر تمام روشن ساخت * پدر و مادرم
and your close location to Him. May my father,

وَأُمِّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأَسْرَتِي *

و اهل و مال و خویشانم به فدای شما باد *

my mother, my kin, my property, and my family be ransoms for you. 

أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ

خدای متعال را گواه می گیرم و شما را نیز *

I beseech Allah and I beseech you all to witness for me

أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا ءَامَنْتُمْ بِهِ

که من به ولایت الهیه شما و به هرچه شما ایمان دارید من هم ایمان دارم *

that I believe in you all and in that in which you believe,



كَافِرٍ بَعْدُوكُمْ

و به دشمنان شما و به هرچه شما کافر به آن

I renounce your enemies

وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ

و منکر هستید من هم کافر و منکر آن هستم *

and whatever you renounce,



مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ

و من به جلالت شأن شما

I am fully aware of your matter

وَبِضَلَالَةٍ مِّنْ خَالِفِكُمْ

و به گمراهی مخالفان شما بصیر و معتقدم *

and of the deviation of those who oppose you,



مُوَالٍ لَّكُمْ وَلِأَوْلِيَائِكُمْ

شما و دوستداران شما را دوست دارم *
I am loyalist to you and to your loyalists,

مُبْغِضٍ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ

و دشمنان شما را دشمن داشته و با آنها عداوت می‌کنم *
I hate your enemies and I show enmity towards them,



سِلِّمٌ لِّمَنْ سَالَمَكُمْ

هر که تسلیم امر شما است با او تسلیم *

I am at peace with those who make peace with you,

وَ حَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمْ

و با هر کس که با شما بجنگد جنگ خواهم کرد *

I take the field against those who march against you,



مُحَقِّقٍ لِمَا حَقَّقْتُمْ

* هر چه را شما حق دانید، حق می دانم

I accept as true that which you have decided as true,

مُبْطِلٍ لِمَا أَبْطَلْتُمْ

* و آنچه را باطل گردانید، ابطال می کنم

I prove false that which you have decided as false,



مُطِيعٌ لَكُمْ * عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ *

من فرمانبردار شمایم * و عارف به حق شما
I am obedient to you, I recognize your right,

مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ *

و اقرار به فضیلت و برتری شما دارم
I confess of your superiority,



مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ

و متحمل و معتقد به مقام علم و دانش شما *
I preserve your knowledge,

مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ

و متلبس به عهد ولایت شما *
I take refuge under your protective shelter,



مُعْتَرِفٌ بِكُمْ * مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ

و معترف به حقانیت شما هستم * و تصدیق و ایمان به رجعت
 I profess you, I believe in your coming back (to this world),

مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ

و بازگشت شما دارم *
 I give credence to your return,



مُنْتَظَرٌ لِأَمْرِكُمْ

و منتظر امر و فرمان شما *

I am awaiting your issue,

مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ

و چشم به راه دولت حقّه شما هستم *

I am expecting your rule,



ءَاخِذْ بِقَوْلِكُمْ * عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ *

و سخن شما را اخذ کرده * و امر شما را کار می بندم
I take in your sayings, I carry out your orders,

مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ * زَائِرٌ لَكُمْ *

و به درگاه شما پناه آورده * و به زیارت شما شتافته
I take shelter in you, I make visits to you



لَا اِيْذُ عَائِذُ بِقُبُوْرِكُمْ ❁

و به قبور و مرقد مطهر شما پناه آورده و بدان توسل به حق می جویم
 I resort to and seek protection in your graves,

مُسْتَشْفِعُ اِلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ ❁

و شما را شفیع خود به درگاه خدا می گردانم *

I seek your intercession for me with Allah the Almighty and All-majestic, ❁

وَمُتَّقِرِبْ بِكُمْ إِلَيْهِ

و به واسطه شما به خدا تقرب می جویم *

I seek nearness to Him in your names,

وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ ظِلِّبَتِي

و در تمام احوال *

I provide you as my means for seeking fulfillment of my desires,



وَ حَوَائِجِي وَ ارَادَتِي

و جميع امور حوايج و درخواستی که از خدا دارم شما را مقدم داشته
needs, and wishes,

فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي

و به واسطه شما از خدای خود هر حاجت و مراد می طلبم *
in all of my manners and affairs,



مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ

من به ظاهر و باطن شما *

I believe in your invisibility, visibility,

و شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ

و به حاضر و غایب *

presence, absence,



وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ

و اول و آخر شما ایمان دارم
first, and last of you;

و مَفْوُضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ

و در تمام امور مذکور، تفویض
and I confide all that to you



وَمُسْلِمٌ فِيهِ مَعَكُمْ



و تسلیم فرمان شمایم
and submit to all of it with you.

وَقَلْبِي لَكُمْ مُسْلِمٌ



و قلبم تسلیم شما
My heart is subservient to you,



وَرَأَيْ لَكُمْ تَبِعُ



و رأیم تابع رأی شما *
my opinion is following yours,

وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ



و نصرتم به تمام قوای اختیاری مہیای نصرت شماست همیشه *
and my support to you is all set



حَتَّىٰ يُجِئَ اللَّهُ تَعَالَىٰ دِينَهُ وَبِكُمْ

تا روزگاری که خدایتعالی دین خود را به ولایت و حکومت شما زنده گرداند
 until Allah the All-exalted restores His religion to life through you,

وَيَرُدُّكُمْ فِي أَيَّامِهِ

* و در آن ایام ربوبی شما را به عالم باز گرداند
 brings you back again in His days,



وَيُظْهِرُكُمْ لِعَدْلِهِ



و به شما برای اجرای عدل الهی *

allows you to appear for (establishing) His justice,

وَيُمَكِّنُكُمْ فِي أَرْضِهِ



تمکین و اقتدار در همه روی زمین بخشد *

and gives you power to rule in His land.





فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ (عَدُوَّكُمْ)

پس من همه هنگام با شما بوده و خواهم بود نه با دشمنان شما *

So, I am (always) with you, with you, but not with any one other than you.

ءَا مَنْتُ بِكُمْ

به شما ایمان دارم *

I have full faith in you,



وَتَوَلَّيْتُ أٰخِرَكُمْ

و به آن دلیل که اول شما را دوست می دارم
and I declare my loyalty to the last of you

بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهٖ اَوَّلَكُمْ

به همان دلیل، آخر شما را دوست می دارم *
just as I declared it to the first of you.



وَبَرِّئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

و به سوی خدا عز و جل، از دشمنان شما

In the presence of Allah the Almighty and All-majestic, I repudiate

مِنْ أَعْدَائِكُمْ

برائت می جویم *

your enemies,



وَمِنْ الْجَبَّتِ

و از بت جبت
all idols,

وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ

و طاغوت و شیاطین
false deities, the devils,



وَحِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ

و حزب آنها که به شما ظلم کرده *
and their party who have wronged you,

الْبَاجِلِينَ حَقَّكُمْ

و حق شما را انکار کردند *
denied your rights,



وَالْمَارْقِينَ مِنْ وَلَايَتِكُمْ

و کسانی که سرکشی از عهد ولایت شما کردند *
apostatized from your (divinely commissioned) leadership,

وَالْغَاصِبِينَ لِارْثِكُمْ

و ارث شما را غصب کردند *
usurped your inheritance,



الشَّاكِّينَ فِيكُمْ

و در مقام شما شک و ریب داشته *

arisen doubts about you,

الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ

و منحرف از طریقه شما گردیدند، از همه بیزارم *

and deviated from you,



وَمِنْ كُلِّ وَلِيَّةٍ دُونَكُمْ



و از هر وسیله و پیشوایی غیر شما *

and (I repudiate) any adherence to anyone other than you,

وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ

و از پیشوایانی که خلق را

any obeyed one save you,



وَمِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ

به آتش دوزخ می خوانند
and the leaders

يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ

از آنان تمام نیز بیزاری می جویم *
who call to Hellfire.



فَثَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيِّتُ عَلَى

پس خدا مادامی که زنده‌ام

May Allah make me firm forever as long as I am alive

مُؤَالَاةِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ

مرا در ولایت و دوستی و دین و آیین شما ثابت بدارد *

on loyalty to you, love for you, and on your religion.



وَوَفَّقَنِي لِطَاعَتِكُمْ

و مرا موفق به طاعت شما *

May He grant me success in obedience to you,

وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ

و بهره‌مند از شفاعت شما گرداند *

endue me with your intercession,



وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ

و از خوبان دوستداران شما *

make me of the best of your loyalists

التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ

که به هر چه دعوت کردید پیروی کردند، قرار دهد *

who carry out all that to which you have called,





وَجْعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ أَثَارَكُمْ

و از آنان که در پی آثار شما رفتند *

and make me of those who are tracking your footsteps,



وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ

و سالک طریق شما بودند *

taking your path,



وَيَهْتَدِي بِهُدَاكُمُ

و به رهبری شما هدایت یافتند
following your guidance,

وَيُخْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ

و به قیامت در زمره شما محشور شدند
(and those who are) resurrected in your group,



وَيَكْرِفِي رَجَعْتِكُمْ

و در رجعت شما به جهان بازگشتند *

given the chance to appear again in your Return,

وَيُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ

و در دولت و سلطنت شما به حکومت و ملک رسیدند *

given authority in your administration,



وَيُشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ

و به شرف عافیت به واسطه شما رسیدند
honored to live under your sound supervision,

وَيُمْكِنُ فِي أَيَّامِكُمْ

و در ایام پادشاهی شما تمکن و اقتدار یافتند
given power in your days,



وَتَقَرُّ عَيْنُهُ وَغَدًا

و فردای قیامت چشمشان روشن
and having their eyes delighted

بِرُؤْيَتِكُمْ

به جمال شما گردید *
by seeing you in the morrow.



بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي

خدا مرا از آنها مقرر فرماید، پدر و مادرم

May my father, mother,

وَنَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي

و جان و اهل و مالم به فدای شما باد *

soul, family, and possessions be ransoms for you.



مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَا بِكُمْ

هر کس که اراده خداشناسی و اشتیاق به خدا در دل یافت، به پیروی شما یافت *

Whoever desires for Allah should begin with you,

وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ

و هر کس خدا را به یگانگی شناخت، به تعلیم شما پذیرفت *

whoever professes His Oneness should accept your instructions,

وَمَنْ قَصَدَهُ وَتَوَجَّهَ بِكُمْ

و هر کس خدا طلب گردید، به توجه به شما گردید *
and whoever heads for Him should make you the means to Him.

مَوَالِيَّ لَا أَحْصِي ثَنَاءَكُمْ

ای پیشوایان من صفات کمالیه شما آنقدر است که ثنای شما را شمار نتوانم کرد *
O my masters, I cannot count your merits



وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ ❁

و به کنه مدح *

and I cannot attain the utmost of praise of you

وَمِنْ الْوُصْفِ قَدْرَكُمْ ❁

و توصیف قدر و منزلت شما نتوانم رسید *

and the utmost of the description of your actual value,



وَأَنْتُمْ نُورٌ الْأَخْيَارِ * وَهُدَاةُ الْآبِرَارِ

و شمايید نور قلب خوبان * و هدایت کنندگان نیکوکاران

since you are the light of the upright ones, the guides of the pious ones,

وَحُجَجُ الْجَبَّارِ *

و حجت‌های خدای مقتدر جبار *

and the arguments of the Supreme Lord.



بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ [اللَّهُ]

خدا به شما افتتاح عالم ایجاد کرد و به شما نیز ختم کتاب آفرینش فرمود
 With you has Allah begun creation and with you will He seal it.

وَبِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ

و به واسطه شما، خدا بر ما باران رحمت نازل کرد
 For your sake does He pour down rain,



وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ

و به واسطه شما آسمان را به پاداشت
for your sake does He withhold the heavens

أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ


تا بر زمین جز به امرش فرو نیاید *
from falling on the earth except by His permission,



وَبِكُمْ يَنْفِسُ  اَلْهَمُّ

و به واسطه شما غم و اندوه *

and out of consideration for you does He dismiss agonies

وَيَكْشِفُ  اَلْضَّرَّ

و رنجها از دلها برطرف می‌گردد *

and relieves harms.



وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَّلَتْ بِهِ رُسُلُهُ ﴿١٥٨﴾

و اسرار نازل بر پیغمبران *

In your possession is all that which His Messengers brought down

وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ ﴿١٥٩﴾

و نزول فرشتگان *

and with which His angels descended.



وَإِلَىٰ جَدِّكُمْ ❀ و اگر زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد به جایش بگو:

نزد شما بر جد بزرگوار شما
To your forefather()

❀ (وَإِلَىٰ أَخِيكَ) ❀ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ ❀

(بر برادرت) ❀ روح الأمين نازل گردید
was the Honest Spirit sent.



ءَاتَاكُمْ اللّٰهُ

خدا به شما مقامی عطا کرد

Allah has given you

مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ ❁

که به احدی از اهل عالم عطا نکرد *

that which He has not given to any one all over the worlds.



طَاطَا كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ

و هر شخص با شرافتی پیش شرف مقام شما سر فرود آورد *

All highborn ones nod down their heads before your noble lineage,

وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِّطَاعَتِكُمْ

و هر سرکش متکبری به اطاعت شما سر نهاد *

all arrogant ones submit to the obedience to you,



وَاخْضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِّفَضْلِكُمْ

* و هر جبار گردن فرازی در مقابل فضل و کمال شما خاضع
all insolent oppressors succumb to your excellence,

وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَّكُمْ

* و همه چیز پیش شما فروتن گشت
all things are humiliated before you,



وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ

و زمین به نور شما روشن گردید *
the earth has been lit up with your light,

وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ

و رستگاران عالم به ولایت و محبت شما رستگار شدند *
and the winners have attained triumph due to their loyalty to you. 

بِكُمْ يَسْلُكُ

پیروی شما

Through you can

إِلَى الرِّضْوَانِ

سلوک راه بهشت و رضوان *

the way to Paradise be taken



وَعَلَىٰ مَنْ جَحَدَ وَلَايَتِكُمْ

و انکار ولایت شما

and the ire of the All-beneficent is poured on whoever

غَضَبُ الرَّحْمَنِ

خشم و غضب خدای رحمان است *

has denied your (divinely commissioned) leadership.



بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي

پدر و مادر و جان

May my father, mother, soul,

وَأَهْلِي وَمَالِي

و اهل و مالم همه فدای شما باد *

family, and possessions be ransoms for you.



ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ

در حلقهٔ ذاکران عالم از سموات و ارض همه جا ذکر خیر شماست
your mention is within the mention of others.

وَأَسْمَاءُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ

نامهای شما در میان نامها
Your names are called along with other names.



وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ

و جسد پاک شما در میان اجساد
Your figures appear among other figures.

وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ

و روح بزرگ شما در میان ارواح
Your souls are among other souls.



وَأَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ

و نفوس قدسی شما در میان نفوس *

Your selves are among other selves.

وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ

و آثار وجودی شما در میان آثار *

Your traditions are among other traditions.



وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ

و قبور مطهر شما در میان قبرها *

Your graves are among other graves.

فَمَا أَحْلَى أَسْمَاءَكُمْ

پس چقدر نامهای شما شیرین *

But how gracious your names are!




وَاَكْرَمَ اَنْفُسِكُمْ

و نفوس شما با کرامت
How noble your souls are!

وَاَعْظَمَ شَاْنِكُمْ

شأن و مقامتان بزرگ
How superior your affairs are!



وَأَجَلٌ خَظَرِكُمْ * وَأَوْفَىٰ عَهْدِكُمْ *


و قدر و منزلت شما با جلال * و عهد شما با وفاترین عهد *

How majestic your stations are! How dependable your covenants are!

وَأَصْدَقَ وَعْدِكُمْ *


و وعد و پیمان شما راست و با حقیقت *

How truthful your promises are!



كَلَامُكُمْ نُورٌ

سخن شما نوربخش دلها *

Your words are illumination.

وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ

و امر و فرمان شما هدایت *

Your affairs are (leading to) orthodoxy.



وَصِيَّتُكُمُ التَّقْوَىٰ



و ارشاد خلق *

Your precepts are piety.

وَفِعْلُكُمْ الْحَيْرَ



کار شما نیکو *

Your deeds are all good.



وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانَ



و عادت شما نیکی و احسان *

Your habits are charity.

وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمَ



فطرت شما کرم و بخشش *

Your nature is generosity.



وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ

و شأن ذاتی شما، حق و صدق و مرافت و شفقت *

Your issue is truth, honesty, and lenience.

وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ

قول و دستور شما، حکم حتمی لازم الاجراء *

Your words are judgments and decisiveness.



وَرَأَيْكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ ❁

* رای و اندیشه شما، علم و دانش و بردباری و مأل اندیشی است

Your views are (based upon) knowledge, temperance, and forethought.

إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ ❁

* اگر ذکر از خیر و نیکویی شود، اول مقام نیکی را دارا باشید

Whenever goodness is mentioned, you are its initiation,



وَأَصْلُهُ وَفَرْعُهُ ❁

و اصل و فرع *
origin, branch,

وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ ❁

و معدن و محل و مبداء و منتهای هر خیر و نیکویی شمايید *
essence, center, and ultimate.



بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي

پدر و مادر و جانم نثار شما باد *

May my father, mother, and soul be ransoms for you.

كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ

چگونه مدح و ثنای شما را توان وصف کرد *

How shall I describe the excellence of your merits



وَأُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ

و شئونات رفیع و جمیلان را توان به شمار آورد *
and define the beauty of your conferrals?

وَبِكُمْ أَخْرَجْنَا اللَّهَ مِنَ الذِّلِّ

در صورتی که به واسطه شما، خدا ما را از ذلت نجات داد *

It is on account of you that Allah has pulled us out of degradation, 

وَفَرَّجَ عَنَّا

و غم و اندوههای شدید ما را
removed from us

غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ

برطرف ساخت
the clutches of hardships,



وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ

و از وادی مهالک عالم

and saved us from the brink of the pit of perditions

وَمِنَ النَّارِ

و آتش دوزخ رهانید *

and from the Fire.



بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي

پدر و مادر و جانم
May my father, mother,

وَنَفْسِي

فدای شما *
and soul be ransoms for you.



بِمَوَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ

به واسطه ولایت و پیشوایی شما، خدا معالم

Through our loyalty to your leadership, Allah has taught us

مَعَالِمَ دِينِنَا

و حقایق دین را به ما آموخت *

the features of our religion





وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا

و هر آنچه از امور دنیای ما فاسد و پریشان بود، اصلاح فرمود
and has set aright the spoiled items of our worldly lives.

وَبِمُؤَا لَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ

و به واسطه ولایت و پیشوایی شما، کلمه به حد کمال رسید *

Through our loyalty to your leadership, the Word has been perfected, 

وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ

و نعمت بزرگ دین به خلق عطا گردید
the grace has become great,

وَأُتِّلَفَتِ الْفُرْقَةُ

و پراکندگی امت به الفت و اتحاد مبدل گشت
and the discord has turned into alliance.



وَبِمَوَالِائِكُمْ

و به ولایت و دوستی شما

Through our loyalty to your leadership,

تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمَفْتَرِضَةُ

طاعت فریضه خلق پذیرفته میشود

the obligatory obedience (to Allah) is accepted.



وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ

* و خدا دوستی شما را بر خلق واجب کرد *

To you alone are the obligatory affection,

وَالدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ

* و به شما درجات رفیع *

the elevated ranks,



وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ



و مقام محمود *
the praiseworthy standing,

وَالْمَكَانُ (وَالْمَقَامُ) الْمَعْلُومُ

و منزلت عالی معلوم
the renowned station



عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ❁

نزد خدای عز و جل
with Allah the Almighty and All-majestic,

وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ ❁

و جاه و عزت بزرگ
the topmost prestige,



وَالشَّانُ الْكَبِيرُ

و شأن عظیم *
the supreme station,

وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ

و مقام شفاعت مقبول اعطا گردید *
and the admitted intercession.



رَبَّنَا ءَامَنَّا

پروردگارا ما به آنچه نازل فرمودی ایمان آوردیم

O our Lord, we believe

بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ

و رسول تو را پیروی کردیم

in that which You have sent down and we follow the Messenger;



فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿١٩٣﴾

پس تو ما را از گواهان ثبت فرما *

so, write our names among those who bear witness.

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا

پروردگارا دل‌های ما را که به حق هدایت فرمودی

Our Lord, cause not our hearts to stray



بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا



دیگر به باطل مایل نگردان
after You have guided us,

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً



و به ما از لطف ازلی خود رحمتی کامل عطا فرما
and bestow upon us mercy from Your Presence.



إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿﴾ ﴿﴾ سُبْحَانَ

که همانا تویی عطا بخش بسیار بی عوض و منت * منزهی پروردگارا
Lo! You, only You, are the Bestower. Glory be to our Lord

رَبِّنَا إِنَّ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿﴾ ﴿﴾

محققاً وعدهٔ پروردگار ما انجام خواهد یافت *
for in fact the promise of our Lord immediately takes effect.



يَا وَلِيَّ اللَّهِ (يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ)

ای ولیّ خدا

O vicegerent of Allah! ()

إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا ❁

همانا بین من و خدای عز و جل گناهانی هست *

There stand between me and Allah the Almighty and All-majestic, sins ❁

لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ

که جز رضا و شفاعت شما، آن گناهان را محو نخواهد ساخت
that cannot be demolished except by attaining your satisfaction.

فَبِحَقِّ مَنْ أُوْتِمِنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ

پس قسم به حق آن کس که بر سرّ خود شما را امین گردانید
Therefore, [I beseech you] in the name of the One Who has entrusted you

وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ ﴿١٩٨﴾

و سرپرست امور بندگان خود قرار داد *

with His secret, assigned you to supervise the affairs of His creatures,

وَقَرَرْتَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ ﴿١٩٩﴾

و اطاعت شما را به طاعت خود مقرون ساخت *

and attached the obedience to Him with the obedience to you,



لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي

که شما از خدا بر من بخشش و آمرزش طلبید
to (please) endue me with the favor of absolving my sins

وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي * فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ *



و شفیع من باشید * که من مطیع فرمان شمایم *
and to be my intercessors, for I am obedient to you.



مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ

و هر کس شما را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده *

He who obeys you has in fact obeyed Allah,

وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ

و کسی که شما را نافرمانی کند، معصیت خدا را کرده *

he who disobeys you has in fact disobeyed Allah,



وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ

و کسی که شما را دوست دارد، خدا را دوست داشته *
 he who loves you has in fact loved Allah,

وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ

و کسی که با شما خشم و دشمنی دارد با خدا دشمنی داشته *
 and he who hates you has in fact hated Allah.



اَللّٰهُمَّ اِنِّى لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ

پروردگارا من اگر شفیعیانی به تو
O Allah, had I known interceders

اَقْرَبَ اِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ

نزدیکتر از محمد (ص)
that are closer to You than Muhammad



وَأَهْلَ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ * الْأَئِمَّةِ الْأَبْرَارِ

و آل محمد (ع) که همه اخیار * و پیشوایان نیکوکار هستند می یافتم *
and his Household the virtuous and pious Imams,

جَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي *
I would have chosen them as my intercessors.

آنها را به درگاه تو شفیع قرار می دادم *
I would have chosen them as my intercessors.



فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي

پس تو را قسم به حق آنها که

So, [I beseech You] in the name of their Right

أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ

آن را تو بر خود لازم گردانیدی *

that You have made obligatory upon You,



أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي

از تو درخواست می‌کنم

(please) include me with the group of those

فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ

که مرا داخل در جمله عارفان به مقام آنها و به حق آنها کرده *

who recognize their Right and them





وَفِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ

و در زمره رحمت شدگان به شفاعتشان قرار دهی *

and with the assembly of those who are shown mercy owing to their



إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

که تویی ای خدا مهربانترین مهربانان عالم *

(i.e. Muhammad and his Household) intercession. Verily, You are the

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

و درود خدا بر محمد (ص)

most merciful of all those who show mercy. May Allah send blessings

وَعَالِهِ الطَّاهِرِينَ

و آل طاهرينش *

upon Muhammad and his immaculate Household



وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا



و سلام و تحیت بسیار باد *

and send His thorough peace upon them.

وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ



و ما را خدا کفایت است و نیکو وکیل و نگهبانی است. *

Allah is Sufficient for us! Most Excellent is He in Whom we trust.





Negaresh Asan



easy.reading.quran



negaresh.asan

negareshasanpub



www.negaresh-asan.ir

نگارش
آسان